



Irano-Islamic Research in Politics, Vol.3, No3, 23-58.

Analysis of BBC Persian's Cognitive Warfare in the Events Following Mahsa Amini's Death (September 2022 to december 2022)¹

Omid Noheh esfahani²

Mahnaz Goudarzi³

Mohammad Reza Yazdani Zazerani⁴

Abstract

In the contemporary era, cognitive warfare has become the primary tool for achieving the expansionist goals of hegemonic powers without military confrontation. Cognitive warfare is a hybrid approach that utilizes non-kinetic combat capabilities within the virtual space to secure victory in conflicts without physical engagement. Following the death of Mahsa Amini in 2022, the adversary employed media tools to launch a cognitive war against the Islamic Republic of Iran. Therefore, the present study aims to identify the cognitive warfare and media framing employed by BBC Persian through a critical discourse analysis approach based on the frameworks of Teun A. van Dijk. The analysis focuses on news articles published by BBC Persian from September 2022 to January 2023. The findings reveal that BBC Persian's news texts, in terms of lexical style, referenced individuals and institutions, othering, citations, presuppositions, and connotations, seek to establish discourses through media-driven cognitive warfare. A discourse analysis of BBC Persian news texts shows that the main narratives surrounding the coverage of the protests following Mahsa Amini's death include "mandatory hijab," "police violence," "lack of freedom and justice," "human rights violations," and "public discontent."

Keywords: *Critical discourse analysis, van Dijk, cognitive warfare, BBC Persian, Mahsa Amini, Iran*

¹ . Received: 13/08/2024; Accepted: 12/10/2024; Printed: 15/10/2024

² PhD Student in International Relations, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

³ Associate Professor, Department of International Relations, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran, m.goodarzi@khuif.ac.ir

⁴ Assistant Professor, Department of Political Science, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال سوم، شماره سوم (پیاپی یازدهم) پاییز ۱۴۰۳، ۲۳-۵۸.

تجزیه و تحلیل جنگ شناختی پی‌پی‌سی فارسی در حوادث بعد از فوت مهسا امینی (شهریور تا دی‌ماه ۱۴۰۱)^۱

امید نوحه‌اصفهبانی^۲

مهناز گودرزی^۳

محمدرضا یزدانی‌زائرانی^۴

چکیده

در عصر حاضر جنگ شناختی، ابزار اصلی دستیابی به اهداف توسعه طلبانه قدرت‌های استکباری بدون درگیری نظامی است. جنگ شناختی، رهیافتی ترکیبی از ظرفیت‌های نبرد غیرجنبشی متعلق به فضای مجازی برای پیروزی در جنگ بدون رودررویی فیزیکی است. دشمن در سال ۱۴۰۱، بعد از فوت مهسا امینی با استفاده از ابزار رسانه از جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد. بنابراین پژوهش حاضر می‌کوشد با روش تحلیل گفتمان انتقادی و ندایک و با استفاده از جامعه آماری اخبار منتشر شده از رسانه فارسی‌زبان پی‌پی‌سی فارسی در بازه زمانی شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱، جنگ شناختی و جریان‌سازی رسانه‌های خبرگزاری پی‌پی‌سی فارسی را شناسایی کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است: متون خبری پی‌پی‌سی فارسی از لحاظ سبک واژگانی، افراد و نهادهای مطرح‌شده در متن، غیرسازمی، استنادها، پیش‌فرض‌ها و تداعی و تلقین‌ها، درصد است تا با راه‌اندازی جنگ شناختی از طریق ابزار رسانه؛ گفتمان‌هایی را شکل دهد؛ واکاوی گفتمانی از متون اخبار رسانه پی‌پی‌سی فارسی نشان داد که: گفتمان اصلی وب‌سایت پی‌پی‌سی فارسی در خصوص پوشش خبری اعتراضات بعد از فوت مهسا امینی، «حجاب اجباری»، «خشونت پلیس»، «نبود آزادی و عدالت»، «نقض حقوق بشر» و «نارضایتی عموم» بوده است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، وندایک، جنگ شناختی، پی‌پی‌سی فارسی، مهسا امینی، ایران.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۱؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۷/۲۴

۲ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۳ دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران، (نویسنده

مسئول) m.goodarzi@khuisf.ac.ir

۴ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مقدمه و بیان مسئله

تغییر و تحول ماهیت جنگ به‌ویژه در دوران پس از جنگ سرد و پیچیده‌تر شدن میدان نبرد و تسلیحات مورد استفاده در این نوع نبرد، لزوم بازنگری در اقدامات پدافندی و مجهز شدن به ملزومات و توانمندی‌های مورد نیاز در این عرصه را برای تأمین امنیت ملی هر کشوری ضروری می‌کند؛ غفلت از این مهم، آسیب‌های جبران‌ناپذیر و مخربی به دنبال خواهد داشت که به مراتب از تلفات و آسیب‌های ناشی از جنگ سخت و حملات نظامی بیشتر خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس با انواع تهدیدهای سخت، نیمه‌سخت و نرم مواجه بوده که در مقابله با هر یک از این چالش‌ها، تجاربی به دست آورده است. مطالعه سیر تحول تهدیدات علیه جمهوری اسلامی به خوبی مؤید این مطلب است که با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک و ساختاری در صنایع نظامی و راهبرد قدرت نظامی بازدارنده جمهوری اسلامی، دشمنان نظام علی‌رغم روی میز نگه داشتن گزینه نظامی و رویکرد سخت علیه ایران، به دنبال رویکردهای کم‌هزینه‌تر و البته پیچیده‌تری هستند که فروپاشی از درون را در پی خواهد داشت.

جنگ شناختی^۱ یکی از رویکردهای مورد استفاده علیه جمهوری اسلامی است که با استفاده از ابزارهایی نظیر رسانه، تبلیغات وسیع و پروپاگاندا^۲ بارها مورد استفاده قرار گرفته و البته آسیب‌ها و خساراتی نیز برای کشور به همراه داشته است. در جنگ شناختی، میدان جنگ، ذهن انسان و تسلیحات آن فناوری‌های رسانه‌ای، اطلاعاتی، داده‌ای و شناختی است. با توجه به همین ظرفیت رسانه‌ها، قدرت‌های جهانی همواره در نیم‌قرن اخیر سعی کرده‌اند تا با استفاده از ابزار رسانه و در چارچوب جنگ شناختی، بر افکار عمومی و نخبگان جامعه از طریق تغییر باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها و از طریق مدیریت ادراک و برداشت، تأثیر بگذارند. یکی از کانون‌های توجه این رسانه‌ها، حوادث بعد از فوت مهسا امینی در پاییز و زمستان سال ۱۴۰۱ بود. حضور

1. Cognitive War

۲ پروپاگاندا عبارت است از: انتقال ارتباطات، اطلاعات و پیام‌ها به منظور ایجاد تغییر در آگاهی یا ناخودآگاه جامعه هدف است.

پررنگ و فعالیت بی‌بی‌سی فارسی در پوشش خبری وقایع مربوط به این برهه تاریخی علت انتخاب این رسانه توسط پژوهشگر است. با توجه به مفهوم و ماهیت جنگ شناختی و تعاریف ارائه شده برای آن و به کارگیری ابزار رسانه به عنوان عاملی مؤثر با ضریب نفوذ بالا در ذهن مخاطبان و دستکاری ذهنی جامعه هدف و اثرگذاری بر امنیت ملی، دغدغه اصلی پژوهشگر دستیابی به مؤلفه‌هایی است که رسانه مورد پژوهش در تولید محتواهای خبری خود به کار برده است. به بیان ساده می‌توان گفت مسئله اصلی پژوهشگر، شناسایی مؤلفه‌های جنگ شناختی به کار برده شده در متون اخبار بی‌بی‌سی فارسی با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی وندایک است و به دلیل اینکه پژوهش از نوع اکتشافی است، فاقد فرضیه و پاسخ احتمالی به سؤال اصلی پژوهش است.

ادبیات پژوهش

در رابطه با موضوع جنگ شناختی، در منابع داخلی و خارجی پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است، ولی پژوهشی مشابه با عنوان این پژوهش یافت نشد. با این وجود، به برخی منابع که در ارتباط با جنگ شناختی و ادراکی و رسانه هستند، در ادامه اشاره خواهد شد.

آلوارو^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «جنگ شناختی»، جنگ شناختی را به عنوان پیشرفته‌ترین شکل جنگ تا به امروز برای دستکاری رفتار در مقیاس انبوه برای به دست آوردن مزیت استراتژیک می‌داند. نتیجه می‌گیرد که به جای میدان‌های نبرد پر از جنازه جنگ فیزیکی، تئاتر عملیات جنگ شناختی ذهن انسان است و در آن عملیات در میدان‌های ادراک، احساس و حافظه تحقق می‌یابد. تفاوت و مزیت پژوهش حاضر با پژوهش آلوارو با استفاده از روش

1. Alvaro

تحلیل‌گفتمان انتقادی پژوهش حاضر و همچنین تمرکز بر رسانه بی‌بی‌سی فارسی به عنوان ابزارهای جنگ شناختی دشمن علیه ج.ا.ا است.

گزار^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل‌گفتمان انتقادی تحقیر زنان در ضرب‌المثل‌های منتخب آمریکایی و انگلیسی» پژوهشگر برای دستیابی به بهترین درک از نتایج تحقیق از روش تحقیق کمی استفاده کرده است و با توجه به داده‌ها، چهار ضرب‌المثل نشان‌دهنده فرهنگ آمریکایی و چهار ضرب‌المثل نشان‌دهنده فرهنگ بریتانیایی را انتخاب کرده است. نتایج کلی این مطالعه نشان داده است که زنان در هر دو فرهنگ تحت درمان زناشویی قرار می‌گیرند. به‌طور خلاصه، این مطالعه یک تحلیل انتقادی و زبانی از نحوه درک زنان در ضرب‌المثل‌های انگلیسی از دیدگاه رهایی‌بخش ارائه کرده است. تفاوت پژوهش گزار با پژوهش حاضر در این است که پژوهش حاضر علاوه بر استفاده از روش تحلیل‌گفتمان انتقادی و تمرکز بر ابزار رسانه، جنگ شناختی نیز به عنوان مبانی نظری قرار داده است. همچنین حوادث بعد از فوت مهسا امینی به عنوان به‌روزترین چالش سیاسی ج.ا.ا را مورد بررسی قرار داده است که می‌توان به عنوان برتری پژوهش حاضر با پژوهش گزار در نظر گرفت.

هوشیار و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «چارچوب‌سازی و گفتمان‌سازی رسانه‌ها در پوشش اخبار (تحلیل‌گفتمان اخبار در پایگاه‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی و ایرنا به پوشش وقایع خاورمیانه و شمال آفریقا)» می‌کوشد نسبت به سیاست‌های خبری این دو رسانه حقایق را مطرح کند. تحلیل‌گفتمان با استفاده از رویکرد داده‌کاوی وندایک، روش به‌کاررفته در این پژوهش است. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش انجام‌شده در نوع نگاه به مسائل داخلی ایران است که در پژوهش هوشیار با توجه به سلسله حوادث مربوط به تحولات خاورمیانه در بازه زمانی مشخص، بر روی مسائل ایران تمرکز ندارد؛ درحالی‌که پژوهش حاضر به‌طور خاص حوادث بعد از فوت مهسا امینی را در بازه زمانی مشخص در ایران بررسی می‌کند. از دیگر

¹ Gzar

تفاوت‌های پژوهش حاضر، تمرکز بر جنگ شناختی است؛ درحالی که در پژوهش هوشیار، بر این امر تأکید نشده است.

ستاجی، شیروان و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر دو مؤلفه نحوی وجهیت و تعدی در بازنمود خود و دیگری در متون مطبوعاتی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی» با استفاده از مفاهیم و ابزارهای زبان‌شناختی در تحلیل گفتمان انتقادی، ۴۰ متن منتخب از روزنامه‌ها را مورد بررسی قرار داده و چگونگی بازنمود «خود» و «دیگری» را در آنها مطالعه کرده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد تمامی انتخاب‌های زبانی، علاوه بر اینکه تفاوت در زیربنای فکری و عقاید و اهداف تولیدکنندگان متون را می‌رسانند، به‌صورت آگاهانه انجام شده و در راستای هدف و مقصود مدنظر نویسندگان و القای ایدئولوژی او به مخاطب هستند. تفاوت پژوهش حاضر در این است که پژوهش فعلی با استفاده از تحلیل متن به شیوه داده‌کاوی وندایک، به دنبال اکتشاف و استخراج مؤلفه‌های جنگ شناختی استفاده‌شده در برهه زمانی مشخصی است که امنیت ملی ایران را با تهدید جدی مواجه کرده است. تأکید پژوهش حاضر بر جنگ شناختی به عنوان مبانی نظری، از نقاط قوت پژوهش حاضر است.

عالیشوندی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای غرب بر روند چگونگی حوادث دهمین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران» است که مورد مطالعاتی آن تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی است. در این پژوهش اخبار و گزارش‌های بی‌بی‌سی فارسی از زمان افتتاح این شبکه تا پایان شهریور سال ۱۳۸۸ بعد از انتخابات دهم به روش تحلیل محتوا بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که بی‌بی‌سی فارسی سه اصل «بی‌طرفی، مخاطب‌محوری و تکرارگری» را در اطلاع‌رسانی‌های خود رعایت می‌کند تا از این طریق زمینه جذب و همراهی مخاطبان کشورهای هدف را فراهم کند. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش نام‌برده در آن است که پژوهش حاضر بر دو رسانه تأکید دارد؛ حال آنکه پژوهش نام‌برده بر یک رسانه متمرکز است و پژوهش حاضر با استفاده از مبانی نظری جنگ شناختی و با روش تحلیل

گفتمان وندایک، به واکاوی مؤلفه‌های گفتمانی رسانه می‌پردازد که از دیگر نقاط قوت این پژوهش نسبت به پژوهش عالیشوندی است.

زیتی، سامان و مصطفی اژدری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تکنیک‌های خبری شبکه بی‌بی‌سی فارسی در مواجهه با انقلاب اسلامی در چارچوب عملیات روان» ضمن مطالعه موردی شبکه‌های تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای را در این شبکه مورد بررسی قرار داده است. روش پژوهش مورد استفاده در این اثر، تحلیل گفتمان انتقادی بوده است. زیتی نشان می‌دهد که در این شبکه بازنمایی سوء از رویدادهای مربوط به ایران، به صورت جدی دنبال می‌شود. مهم‌ترین فن جنگ رسانه‌ای به‌کاررفته در شبکه مذکور، سیاه‌نمایی وضعیت ایران از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. مهم‌ترین تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش زیتی، تمرکز این پژوهش بر جنگ شناختی به عنوان مبانی نظری و چارچوبی نوین در عرصه سیاسی است حال آنکه در پژوهش زیتی این امر انجام نگرفته است.

خیرآبادی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش عوامل زبانی و غیرزبانی در شکل‌دهی به اخبار» به خبرهای سیاسی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته که ماحصل آن، ارائه انگاره‌ای زبان‌شناختی از فرایند نگارش و گزینش خبر است که ماهیتی پویا و چندسطحی داشته و به خبر به عنوان گفتمانی می‌نگرد که محصول تعامل عناصر و عوامل متعدد و ماهیت متفاوتی است. که یکی از موارد تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش خیرآبادی، تمرکز بر جنگ شناختی با استفاده از ابزار رسانه است.

اهداف و پرسش پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تجزیه و تحلیل جنگ شناختی اخبار بی‌بی‌سی فارسی در حوادث بعد از فوت مهسا امینی در بازه زمانی شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه سال ۱۴۰۱ است. درواقع محقق بر آن است تا با بهره‌گیری از مبانی نظری جنگ شناختی و نیز بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان وندایک به

تحلیل مؤلفه‌های جنگ شناختی بی‌بی‌سی فارسی علیه جمهوری اسلامی در ماجرای حوادث بعد از فوت مهسا امینی پردازد. بنابراین، در پژوهش حاضر، بهره‌گیری از چارچوب نظری جنگ شناختی و تحلیل گفتمان وندایک، در پاسخ به این سؤال یاری خواهد رساند.

مؤلفه‌های جنگ شناختی مورد استفاده خبرگزاری بی‌بی‌سی فارسی در پوشش خبری وقایع مربوط به ایران از شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱ با استفاده از روش تحلیل گفتمان چگونه تحلیل می‌شوند؟

روش پژوهش

در این پژوهش روش تحلیل گفتمان انتقادی برای تحلیل و تبیین خبرهای سایت خبری بی‌بی‌سی فارسی در بازه زمانی هفته پایانی شهریور ۱۴۰۱ هم‌زمان با وقوع حادثه مربوط به مرحومه مهسا امینی و شروع ناآرامی‌ها در ایران تا پایان دی‌ماه ۱۴۰۱ به کار گرفته شده است. در این روش که تفسیری‌ترین شیوه تحلیل متن است، پس از گذر از لایه‌های زبانی و محتوای متن در لایه نهایی به تفسیر و به عبارتی دستیابی به مقصود و هدف نهایی نویسنده پرداخته می‌شود. در واقع ایدئولوژی غالب و پنهان در متن یا همان نظام گفتمانی غالب کشف می‌شود. رویکرد گفتمان‌کاوی مورد نظر در این پژوهش رویکرد گفتمان‌کاوی «وندایک» خواهد بود. با توجه به رهیافت تحلیل گفتمان وندایک، فرم ویژه‌ای برای ثبت و استخراج اطلاعات از متن خبرهای انتخاب‌شده در نظر گرفته شد. این فرم حاوی هشت کارویژه است. این کارویژه‌ها که از طریق آنها می‌توان نظام گفتمانی حاکم بر خبرها و همچنین شناسایی مقولات متنی و درون‌متنی متون خبری را به دست آورد، عبارت‌اند از سبک واژگان (مثبت و منفی)، افراد و نهادهای مطرح‌شده در متن (مثبت و منفی)، قطب‌بندی یا غیرسازی، استنادها، پیش‌فرض‌ها، تلقین و تداعی‌ها و گزاره‌های اساسی متن‌های خبری.

مبانی نظری

اصطلاح جنگ شناختی طی چند سال گذشته وارد دایرةالمعارف نظامی و علوم شناختی، ارتباطات، روان‌شناسی و دانش رایانه‌ای شده است. از سویی جنگ شناختی به‌عنوان پدیده‌ای نوین در علوم استراتژیک، محصول نگاهی جامع به جنگ‌هایی است که متشکل از تلاش‌های هوشمندانه، جنگ الکترونیکی، عملیات روان‌شناختی و عملیات سایبری است که در مجموع باعث افزایش کنترل جریان اطلاعات شده است. در این فرایند مقوله «شناخت»، مؤلفه مشترک جنگ‌های مذکور است. جنگ شناختی از هرکدام از این عناوین فراتر می‌رود. به‌صورت اختصاصی جنگ شناختی از دهه ۱۹۹۰ به کار برده می‌شود. تعریف جنگ شناختی در آن زمان که توسط استراتژیست‌ها به کار برده شد، با تعریف کنونی متفاوت بود. باین‌حال، درک معاصر از این مفهوم بیشتر بر این متمرکز است که با تأثیرگذاری بر جمعیت عمومی و با حمله به مغز انسان، دشمن را از درون نابود کند (Burda, 2023, 3). در سال‌های اخیر تمایل به مدل جنگ شناختی و تأثیر آن بر جامعه از طریق روش‌های غیرنظامی افزایش یافته است. گسترش روزافزون استفاده از رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، پیام‌های اجتماعی و فناوری‌های دستگاه‌های تلفن همراه، اکنون حوزه جدیدی را به عنوان جنگ شناختی امکان‌پذیر می‌کند. جنگ شناختی را می‌توان به‌عنوان بهره‌برداری از افکار عمومی توسط نهادهای خارجی به قصد تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی و دولتی و بی‌ثبات کردن نهادهای عمومی تعریف کرد. ماهیت جنگ شناختی در هنر فریب‌دادن ذهن یا القای شک و تردید در اذهان و در آنچه مردم به آن دانش دارند، است. در دنیای امروز، جنگ شناختی تکنیک‌های سایبری، اطلاعاتی، روانی و مهندسی اجتماعی را برای رسیدن به اهداف خود ترکیب می‌کند. جنگ شناختی با استفاده از اینترنت و پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، به‌طور استراتژیک افراد بانفوذ، گروه‌های خاص و بخش‌های بزرگی از جامعه را هدف قرار می‌دهد (Vozmitel and Skuratova, 2022, 2).

از حیث هدف‌شناسی، جنگ شناختی می‌تواند اهداف مختلفی را دنبال کند. اهداف جنگ شناختی، تحول در نحوه نگرش انسان به محیط پیرامون است و زمینه را برای انجام کاری خاص که به گستردگی کل کشور و تمام افراد جامعه اعم از نیروهای نظامی، غیرنظامی و حتی زنان و کودکان آن جامعه است، مهیا می‌کند. در جنگ شناختی دریافت پاسخ و نتیجه مورد انتظار اهمیت دارد. در میدان نبرد شناختی، هر انسانی به یک سلاح تبدیل می‌شود و بر اساس مفهومی که در جنگ شکل می‌گیرد، ترکیب سلاح‌ها باعث ایجاد انگیزه می‌شود و عملیات نفوذ بر روی انسان‌ها موقعیت پیروزی بدون جنگ را ایجاد می‌کند. توسعه راهبردهایی برای پیروزی در جنگ‌های متعارف با شدت بالا و عملیات پیچیده و تصادفی، مستلزم بازتولید ظرفیت و روی‌آوری به جنگ شناختی است. اگر برخی از دولت‌ها در فرهنگ نظامی خود موفق باشند، اما در میدان نبرد شناختی مهارت نداشته باشند، فرهنگ استراتژیک آنها به شدت آسیب می‌بیند و نقاط کور شناختی آنها تحت تأثیر رقبای خود و دشمن قرار می‌گیرند (Aydemir, 2022, 2060).

یکی دیگر از اهداف دشمن در جنگ شناختی، از بین بردن اعتماد جامعه نسبت به حاکمیت، نابودکردن نیروهای اجتماعی و سرمایه‌های کشور رقیب است. هدف جنگ شناختی در واقعاً همان هدف جنگ سخت است که در نهایت از پای درآوردن دشمن و رقیب هدف اصلی است، ولی شیوه تهاجم بسیار متفاوت است. روش عمل در نبرد شناختی مشروعیت‌زدایی، اعتبارزدایی، اعتمادزدایی، قداست‌زدایی، ناامیدسازی و ناکارآمدنمایی است که در نهایت دشمن امیدوار است سبب روی‌گردانی اجتماعی و از بین رفتن سرمایه اجتماعی و نیروهای مردمی کشور شود. در جنگ شناختی از ابزار تبلیغات، جوسازی یا پروپاگاندا و رسانه‌ها برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند (Morell and Cegarra, ۲۰۲۳, ۳).

اصل اساسی جنگ شناختی تنها پیروی از یک استراتژی و پیروزی بدون جنگ نیست (اصل مورد علاقه سون تزو)، بلکه دشمن با استفاده از تغییر واقعیت، جنگی را علیه آنچه رقیب، به آن علاقه‌مند یا به آن معتقد است، به راه انداخته است. بنابراین جنگی است علیه شیوه‌های تفکر، منطق ذهنی،

بازنمایی‌های خودبه‌خود و فرایندهای مفهومی. هدف، تغییر واقعیت‌های موجود در جامعه و جهان است که باعث تضعیف کل جامعه به روشی بادوام می‌شود.

رسانه و جنگ شناختی

رسانه‌های جمعی از قدرت تأثیرگذاری و اقناع بخشی مخاطبان برخوردارند و از این‌رو، یکی از کارکردهای اساسی آنها در سازندگی افکار عمومی است. اما همین قدرت نمادین و اقناعی در شرایط خاصی از سوی صاحبان قدرت در نظام بین‌المللی (امپریالیسم رسانه‌ای) مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. در فضای پست‌مدرن امروزی، رسانه‌ها به‌عنوان ابزار کارآمد حوزه جنگ شناختی مطرح‌اند. رسانه‌ها از پژوهشگران، تحلیلگران، روزنامه‌نگاران و انجمن‌های مختلف استفاده می‌کنند تا جنگ را شکل دهند و بی‌شک جنگ شناختی مزیت استراتژیک و تاکتیکی دارد که در این محیط و میدان پر ابهام شکل گرفته است. اقداماتی که در جنگ شناختی و حوزه رسانه در سطح راهبردی انجام می‌شود، شامل تسلط بر قدرت جهانی با ابزار رسانه، ایجاد ظرفیت جدید در اقتدار جهان و تسلط بر ذهن و مغز در اقصی نقاط دنیا و نظام‌های جهان بوده و قصد به انحلال کشاندن کشورهای هدف را دارند. رسانه‌ها همچون آینه برای انعکاس واقعیت عمل نمی‌کنند، بلکه بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند. بر این اساس، بازنمایی، ساخت رسانه‌ای و زبانی واقعیت است. بازنمایی نه انعکاس و بازتاب معنای پدیده‌ها در جهان خارج، بلکه تولید و ساخت معنا بر اساس چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. امروزه، در زمان رسانه‌های کارآمد و سریع، از طیف وسیعی از فرصت‌هایی که رسانه‌ها ممکن است بر افکار عمومی و اذهان بگذارد، استفاده می‌شود و رسانه‌ها شدیداً مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند (Krawczyk and Jarosław, 2022, 195).

در مجموع می‌توان گفت تغییر نگرش در جامعه، اختلال و خطا در دستگاه محاسباتی تصمیم‌گیران، اثربخش کردن جنگ شناختی از طریق رسانه، ایجاد شکاف و گسست عاطفی-ادراکی بین طیف‌های مختلف جامعه

و نخبگان با حاکمیت و زوال سرمایه اجتماعی، از کارویژه‌های جنگ شناختی با استفاده از رسانه در عصر ما به شمار می‌آید. در واقع رسانه‌های اجتماعی توان‌بخش فناوری قدرتمند جنگ شناختی در همه سطوح هستند؛ رسانه‌های اجتماعی از امکان شکل‌دهی به روایت‌های استراتژیک و تأثیرگذاری بر آگاهی توده‌ها تا فریب تاکتیکی روی زمین استفاده می‌کنند. نمونه‌هایی از تاکتیک‌های رایج عبارت‌اند از استفاده از حساب‌های جعلی و دزدیده‌شده برای نفوذ و تأثیرگذاری بر مکالمات داخلی، هدف‌گیری خرد افراد و مخاطبان انحصاری و توزیع محتوای نادرست و گمراه‌کننده و رفتار غیرمعتبر هماهنگ برای تقویت یا سرکوب روایت‌ها. همان‌طور که جوامع به‌طور فزاینده‌ای به شبکه‌های کامپیوتری و خدمات دیجیتال وابسته می‌شوند، آسیب‌پذیری برای حملات جنگ شناختی افزایش می‌یابد. با ظهور شبکه‌های جی‌۵^۱ و اینترنت پیشرفته، دنیای فیزیکی و دیجیتال با هم ادغام می‌شوند و امکان بهره‌برداری و دستکاری داده‌ها افزایش می‌یابد. حملات در حوزه سایبری ممکن است اطلاعات ارزشمندی را در اختیار دشمنان قرار دهد که می‌تواند برای ایجاد تأثیرات شناختی از بی‌اعتبار کردن کشورها، سازمان‌ها یا پرسنل کلیدی گرفته تا کاهش اعتماد به نهادهای دموکراتیک یا سیستم‌های رایانه‌ای استفاده شود (Masakowski and Martha, 2022, 3-7).

بی‌بی‌سی فارسی و جنگ شناختی

رسانه‌ها به‌منزله ابزارهایی قلمداد می‌شوند که با استفاده از آن می‌توان اذهان مخاطبان را دستکاری کرد، نگرش‌های نوینی در اذهان آنان شکل داد، نظرات و نگرش‌های پیشین آنان را تغییر داد، ارزش‌های نوینی در اذهان آنان کاشت و به رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی آنان جهت داد. در واقع سیاست‌مداران و رسانه‌ها عمیقاً بر شهروندان تأثیر می‌گذارند و فضای مجازی فرصت‌های بسیاری را برای تأثیرگذاری بر مخاطبان به صورتی گسترده باز می‌کند. درصد افرادی که اخبار را به‌صورت آنلاین و از رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر دنبال می‌کنند، تقریباً ۹۰ درصد و ۵۰ درصد است. با این مصرف بالای محتوای خبری در فضای مجازی، جنگ شناختی

¹ Fifth Generation Technology Standard for Cellular Networks

می‌تواند به راحتی یا بدون حضور منافع خارجی پیشرفت کند. علاوه بر موارد مذکور، بیش از ۳۰ درصد از مردم تمایل دارند اخباری را که به صورت آنلاین دنبال می‌کنند، به اشتراک بگذارند و عملاً به منابع اطلاعاتی برای مخاطبان بعدی تبدیل شوند. اطلاعات نادرست و تبلیغات نیز اغلب منتشر می‌شود و به‌طور مؤثر تعریف تبلیغات مشارکتی را برآورده می‌کند (Burda, 2023,5).

بی‌بی‌سی فارسی بخشی از یک سازمان رسانه‌ای پیچیده بین‌المللی است که بر سلیقه عمومی تأثیر دارد. این رسانه قدیمی‌ترین رسانه در جهان محسوب می‌شود، اما در عین حال از آخرین دستاوردهای علمی در حوزه رسانه برای تأثیرگذاری بر مخاطبان استفاده می‌کند. بی‌بی‌سی به‌عنوان قدیمی‌ترین رسانه فعال (رادیو از سال ۱۹۲۲ و تلویزیون از سال ۱۹۳۶) در حال تولید و استفاده از جدیدترین فناوری‌های رسانه‌ای در جهان است. بی‌بی‌سی یک سازمان پیچیده است که در محیطی پیچیده فعالیت می‌کند. این سازمان دارای ویژگی‌های متضادی از جمله دولتی و خصوصی، انتفاعی و غیرانتفاعی و انعطاف‌پذیری تجاری است. بی‌بی‌سی متعهد به تولید برنامه‌های متنوع است، اما بی‌طرفی همواره محور اصلی فعالیت آن است. توافق‌نامه مجوز بی‌بی‌سی نیز بر لزوم رعایت دقت و بی‌طرفی در پوشش موضوعات بحث‌انگیز و جنجالی در برنامه‌های خبری و سایر برنامه‌های مرتبط با مسائل سیاست‌های عمومی، بحث‌های سیاسی یا صنعتی تأکید دارد (اسماعیل‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹، ۳).

اهداف راهبردی رسانه بی‌بی‌سی فارسی در راه‌اندازی جنگ شناختی علیه ایران را می‌توان چنین بیان کرد: ۱. ارائه چهره‌ای مخوف از اسلام و جمهوری اسلامی نزد افکار عمومی جهان به‌ویژه غرب. ۲. ناکارآمدی دین در اداره جامعه و چالش مشروعیت. ۳. تلقین به‌روز اجماع جهانی بر ضد ایران. با بررسی اخبار منتشر شده از شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی در حوادث بعد از فوت مهسا امینی در بازه زمانی شهریور تا دی‌ماه ۱۴۰۱، به وضوح غرض‌ورزی‌ها و سوگیری و همچنین عدم عینیت‌گرایی خبری در اخبار این نوع شبکه را نشان می‌دهد. در واقع؛ این نوع پوشش خبری، به‌طور کاملاً سیاسی و همراه با تبعیض و جانب‌داری از عملکرد کشورهای مخالف ج.ا.ا. بوده است. به نظر

کارشناسان حوزه ارتباطات، در رویدادهای عمومی، اخبار سیاسی در تأثیرگذاری بر عقاید و آرای مردم، نقش بسزایی دارند و برداشت آنها را نسبت به مناسبات جهانی شکل می‌دهند. خبرگزاری‌هایی همچون بی‌پی‌سی فارسی معمولاً در راستای اهداف خود، رویدادهای خبری را تغییر می‌دهند و واقعیت‌ها را به نحو دیگری بازتولید می‌کنند؛ به این وسیله تلاش می‌کنند در این جنگ شناختی به افکار عمومی جهت بدهند.

تحلیل گفتمان انتقادی

تئون وندایک^۱ استاد مطالعات گفتمانی در دانشگاه آمستردام هلند و در حال حاضر استاد افتخاری دانشگاه پامپئوفا برای بارسلون اسپانیاست. وندایک درباره روان‌شناسی شناختی درک گفتمان، نظریه‌های ادبی، دستور متنی در گفتمان پژوهش می‌کند و مقالات بسیار و چندین کتاب از وی منتشر شده است. وی بنیان‌گذار و سردبیر هفت مجله پژوهشی بین‌المللی است و در بیش از ۱۵ مجله مهم پژوهشی در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان عضو شورای نویسندگان فعالیت دارد. او سردبیر مؤسس مجلات متن، گفتمان و جامعه است. وی رویکرد «شناختی-اجتماعی» دارد (افخمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۵۳).

تحلیل گفتمان انتقادی ریشه در پارادایم انتقادی دارد. تحلیل گفتمان انتقادی شاخه علمی میان‌رشته‌ای در علم زبان‌شناسی است که زبان را به عنوان شکلی از کارکرد اجتماعی بررسی می‌کند و بر نحوه بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی به وسیله متن و گفت‌وگو تأکید می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی به ما کمک می‌کند بفهمیم گفته‌های اشخاص تا چه اندازه نتیجه ایدئولوژی‌های فردی و سیاسی اجتماعی آنهاست و این ایدئولوژی‌ها هنگام رویارویی با جناح مقابل، چگونه مورد بحث قرار می‌گیرد. وندایک معتقد است مسئله درون و بیرون گروه در تحلیل انتقادی گفتمان، مسئله‌ای بسیار مهم و حیاتی است. متون، به گونه‌ای نوشته می‌شوند که منافع فردی و گروهی را تأمین کنند. این نوع تحلیل، زبان را به عنوان علمی اجتماعی در ارتباط با

1. Teun Adrianus van Dijk

ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن اعم از گفتاری و نوشتاری مورد مطالعه قرار می‌دهد. در واقع تحلیل گفتمان انتقادی تحلیل ایدئولوژی‌های مدنظر گویندگان یا نویسندگان است. از نظر پژوهشگران بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی، گفته‌ها (متون) نویسنده‌محور یا گوینده‌محور هستند و با توجه به فکر و عقاید نویسنده یا گوینده سازماندهی می‌شوند و با تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان تا حد زیادی به فکر و اندیشه نویسنده یا گوینده دست یافت. بنابراین، این‌گونه تحلیل به بررسی نحوه سازماندهی اندیشه نویسنده یا گوینده در متن می‌پردازد. پژوهشگران معتقدند در تحلیل گفتمان انتقادی، اندیشه نویسنده یا گوینده برحسب دیدگاه اجتماعی و فکری‌اش با واژگان و ساختارهای دستوری ویژه‌ای شکل می‌گیرد و ساختارهای گفتمان‌مداری در متن به وجود می‌آید. با بررسی ساختارهای گفتمان‌مدار لایه‌های نهفته زبانی و میزان صراحت و پوشیدگی متن تعیین می‌شود (یاسمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۹۲). در روش تحلیل گفتمان انتقادی وندایک که تفسیری‌ترین شیوه تحلیل متن است، پس از گذر از لایه‌های زبانی و محتوای متن در لایه نهایی به نقد و واکاوی و تفسیر و به عبارتی دستیابی به مقصود و هدف نهایی نویسنده پرداخته می‌شود. در واقع ایدئولوژی غالب و پنهان در متن یا همان نظام گفتمانی غالب کشف می‌شود. تحلیل گفتمان انتقادی، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی زمینه متن (واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و کل نظام زبانی) و عوامل برون‌زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند.

امروز رسانه‌ها با گستردگی بیش از حد خود نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی جهان دارند. رسانه‌ها گرچه ادعای عینیت و بازنمایی واقعیت را دارند، اما هیچ رسانه‌ای فارغ از ارزش نیست و همواره در چارچوب و بستر کلان‌تری فعالیت می‌کنند. رسانه‌های جمعی تنها انتقال‌دهنده یک محتوا نیستند، بلکه برآمده از سیاست‌گذاری‌های خرد و کلانی هستند که بخش اعظم آنها از سوی قدرتمندانی بیرون از حوزه فعالیت رسانه‌ها تعیین می‌شود. صاحبان قدرت، با توجه به منافع و مصالح خود و به لحاظ موقعیت موجود در نظام اجتماعی کشورها و همچنین در سطحی وسیع‌تر در نظام جهانی، به

طرح الگوهایی دست می‌زنند تا رسانه‌ها با اجرائی کردن این الگوها، اهداف و مقاصد آنها را جامه عمل بپوشانند. صاحبان قدرت، به لحاظ منافع خاص خود در هر برهه‌ای و متناسب با کشوری که در مقابل خود دارند، الگوهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن کشور را از طریق اعمال جنگ شناختی دستخوش آسیب می‌کنند. در این میان، یکی از بسترهای اصلی رسانه‌ای برای انتقال اطلاعات و جهت‌دهی افکار عمومی، «خبر» است. وندایک درباره اهمیت خبر بر این نظر است که بسیاری از اعتقادات و دانش سیاسی-اجتماعی ما درباره جهان، ناشی از گزارش‌های خبری است که ما هر روز می‌خوانیم یا می‌بینیم و احتمالاً در گفت‌وگوهای روزمره، هیچ عمل گفتمانی دیگری وجود ندارد که به اندازه اخبار همواره و به‌طور پیاپی مردم را به خود جلب کند. با توجه به همین ظرفیت رسانه‌ها، کشورهای انگلیس و آمریکا همواره در نیم‌قرن اخیر سعی کرده‌اند تا با استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای، موانع پیشرو سیاست خارجی خود را در کشورهای هدف از جمله ایران برطرف کنند. انگلیس به وسیله شبکه خبری با عنوان بی‌پی‌سی فعال است و به ۹۲ زبان زنده در قالب سایت اینترنتی، صدا، تصویر و حضور فعال در شبکه‌های مجازی، برنامه‌های خبری پخش و منتشر می‌کند. یکی از کانون‌های توجه این رسانه‌ها حوادث بعد از فوت مهسا امینی در پاییز و زمستان سال ۱۴۰۱ بود.

معیارهای ما برای انتخاب و نمونه‌گیری خبرها هشت مؤلفه موردنظر وندایک بود که در ادامه بیان خواهند شد. از آنجا که این پژوهش برای تحلیل متون سایت فارسی‌زبان بی‌پی‌سی بر مبنای شیوه تحلیلی و دیدگاه‌های تئون وندایک سازمان یافته، لذا متغیرها و مقوله‌های مورد استفاده به شرح ذیل خواهند بود:

واژگان

به لحاظ سنتی شناخته‌شده‌ترین راه مطالعه ایدئولوژی و زبان، تحلیل اقلام واژگانی است. کلمات ممکن است طوری انتخاب شوند که عموماً ارزش‌ها و هنجارهایی داشته باشند و بنابراین ممکن است برای بیان یک

قضاوت ارزشی (مثلاً تروریست یا نژادپرست) به کار روند. هرچند گزاره‌های زیادی (زیبا، کثیف و...) وجود دارند که در حالت طبیعی برای بیان یک نظر به کار می‌روند، اما گزاره‌های دیگری (آلوده، دمکراتیک، هوشمند و...) هم وجود دارند که بسته به اینکه یک سیستم ارزشی یا معرفتی چه پیش‌فرضی از آنها دارد، می‌توانند واقع‌گرایانه یا ارزیابانه باشند. در واقع واژگانی که یک گوینده یا نویسنده به کار می‌برد، دقیقاً با قدرت، موقعیت سیاسی، اجتماعی و حتی اخلاقی او یا به عبارت دقیق‌تر با وزن اجتماعی و سیاسی او سنجیده می‌شود. اینکه واژگان اصلی و کانونی متن کدام‌اند و موضوع یا مفهوم مدنظر را مثبت یا منفی توصیف کرده‌اند، معرف گفتمان حاکم در مورد عملیات روانی و تبلیغاتی است که در متون خبری اعمال شده است. این مقوله می‌تواند به محقق در تحلیل واقع‌بینانه و زمینه‌های بافتاری متن مدد رساند (هوشیار و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۴۳). در پژوهش حاضر، پس از بررسی سایت خبرگزاری بی‌بی‌سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱)، به تحلیل سبک واژگان منفی و مثبت به‌کاررفته در اخبار مدنظر پرداخته می‌شود و به لایه‌های واقعی و پنهان اخبار پخش‌شده از خبرگزاری مورد مطالعه و چگونگی القای اخبار به مخاطبان پی برده می‌شود.

افراد و نهادهای مطرح‌شده در متن

بر اساس این مقوله، می‌توان پی برد که نهادها، ارگان‌ها یا مؤسساتی که در خبرها نام برده شده‌اند، به‌صورت مثبت مطرح شده یا در جایگاه منفی قرار گرفته‌اند. این مقوله یا کارویژه حاوی داوری متن و کنشگر آن در مورد افراد و نهادهای ذکرشده در متن خبر است و در نهایت، به تحلیل مرزبندی‌های متن یاری می‌رساند. بخشی از کارکرد غیرسازی متن در این مقوله مشخص می‌شود (ممرآبادی و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۴). در مقاله حاضر نیز پس از بررسی سایت خبرگزاری بی‌بی‌سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱)، می‌توان پی برد که نهادها، افراد، ارگان‌ها یا مؤسساتی که در اخبار خبرگزاری مورد پژوهش نام برده شده‌اند، به‌صورت مثبت مطرح شده یا در جایگاه منفی قرار گرفته‌اند.

با مشخص کردن هر یک از افراد و نهادهای نام‌برده در اخبار، به لایه‌های پنهان جنگ شناختی این خبرگزاری پی برده می‌شود.
قطب‌بندی یا غیرسازی (ارزش‌های منتسب به «خود» و «دیگری»)

این مقوله یا کارویژه دارای دو زیرمقوله مشخص است؛ نحوه توصیف و معرفی «خود» یا ارزش‌های منتسب به «خود» و نیز توصیف و معرفی «دیگری» یا ارزش‌های منتسب به «دیگری» در متن خبر. این امر می‌تواند در تحلیل بینش‌ها و نگرش‌های رسانه‌ها و بررسی کنشگران بین‌المللی آنها یاری‌رسان باشد (هوشیار و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۴۳). بسیاری از ایدئولوژی‌ها حامل و بازتولیدکننده مناقشه، سلطه و نابرابری هستند. این مناقشه می‌تواند شامل هرگونه‌ای از منافع (نوعاً منابع نمادین یا مادی) باشد و ویژگی‌های آن به‌صورت قطبی سازمان یابد که این کار با بازنمایی «ما» در برابر «آنها» انجام می‌شود. این قطبی‌سازی که همان ارائه مثبت خود و ارائه منفی دیگران است، در بیشتر گفتمان‌های ایدئولوژیک وجود دارد. در مقاله حاضر نیز پس از بررسی سایت خبرگزاری بی‌پی‌سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱)، می‌توان به نحوه توصیف و معرفی «خود» و ارزش‌های منتسب به «خود» و نیز توصیف و معرفی «دیگری» در متن اخبار دو خبرگزاری مورد مطالعه پی برد.
استناد یا ذکر شواهد در متن

اینکه متن به کدام منابع مشروعیت‌ساز یا مورد پذیرش از سوی دیگران برای اثبات یا تأیید گفته‌های خود استناد می‌کند، می‌تواند در قابل قبول یا غیرقابل قبول جلوه‌دادن استدلال‌ها مؤثر باشد. شناخت و بررسی استنادها یا شواهد در متن خبر می‌تواند در تحلیل اینکه خبر بر آن است با چه ادله و ارزیابی مثبت و منفی‌ای واقعیتی را به ذهن مخاطبان خود منتقل کند، حائز اهمیت است. استفاده از نقل‌قول‌ها، منابع، کارشناسان، مسئولان و رهبران، نمونه‌هایی از این مؤلفه هستند. در مقاله حاضر نیز پس از بررسی سایت خبرگزاری بی‌پی‌سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱) و همچنین واکاوی منابع مشروعیت‌ساز یا مورد پذیرش که این خبرگزاری برای تأیید گفته‌های خود بر

آن استناد می‌کند، می‌توان به اینکه تحلیل خبر با چه ادله و ارزیابی مثبت و منفی‌ای واقعیتی را به ذهن مخاطبان خود منتقل کند، دست یافت. به‌علاوه می‌توان پی برد که این خبرگزاری چگونه با اعتباربخشیدن به منابع مورد استناد خود، مخاطبان را با خود همراه می‌کند.

پیش‌فرض‌ها

پیش‌فرض‌ها، افکار قالبی و پیش‌داوری‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهد. بنابراین، شناخت پیش‌فرض‌ها، تحلیلگر را قادر می‌کند به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی صاحب اثر پی ببرد. به‌طور کلی پیش‌فرض‌ها شامل مفروضاتی است که فهم ارتباط میان قضایا و موضوع متن، مشروط به آنهاست. ورنه فرکلاف معتقد است پیش‌فرض‌ها از ویژگی‌ها و خصوصیات یک متن نیستند، بلکه بخشی از تفسیر تولیدکنندگان متن از بافت بینامتنی هستند. بسیاری از ویژگی‌های صوری متن به این پیش‌فرض‌ها اشاره دارد. در مقاله حاضر نیز پس از بررسی سایت خبرگزاری بی‌پی‌سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱)، به شناخت و استخراج پیش‌فرض‌های به کار گرفته‌شده از متن اخبار (که ما را قادر می‌کند به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی دو خبرگزاری مورد نظر پی ببریم)، می‌پردازیم.

دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی)

اطلاعات و مضامین نهفته در یک متن صریحاً بیان نمی‌شود، بلکه غالباً حالت ضمنی و تلویحی دارد. واژگان، بندها، گزاره‌ها، عبارات و جملات یک متن ممکن است بر مفاهیم و گزاره‌هایی دلالت داشته باشند که می‌توان از طریق شناخت اجتماعی یا دانش زمینه‌ای و اجتماعی مشترک به آنها پی برد. در بسیاری از مواقع، ناگفته‌ها و نانوشته‌های یک متن در تحلیل گفتمان از طریق معانی ضمنی و دلالت آنها که غالباً دارای بار ایدئولوژیک است، به دست می‌آید (فرقانی، ۱۳۸۲). در پژوهش حاضر نیز پس از بررسی سایت خبرگزاری بی‌پی‌سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱)، به استخراج مضامین نهفته و مفاهیم و گزاره‌ها پرداخته و نشان داده می‌شود که متن خبر از خبرگزاری

مورد مطالعه چه چیزی را تداعی می‌کند و چه چیزی را می‌خواهد تلقین کند تا بتواند با گفتمان به‌کارگرفته، به اهداف نهایی خود در جنگ شناختی علیه سیستم سیاسی ایران دست یابد.

مؤلفه‌های اجماع و توافق در متن

این مؤلفه‌ها شامل گزاره‌ها، مفاهیم و استعاره‌هایی هستند که متن از طریق آنها درصدد ایجاد توافق و اجماع در مخاطبان برمی‌آید. برخی از این تعابیر ممکن است صادقانه به کار گرفته شوند و پاره‌ای دیگر، صرفاً در خدمت مشروعیت‌سازی و ساکت کردن مخالفان و از میدان بیرون کردن گفتمان رقیب باشند (هوشیار و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۴۳). در نوشتار حاضر نیز پس از بررسی سایت بی‌بی‌سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱)، به استخراج مؤلفه‌ها و استعاره‌هایی پرداخته می‌شود که متن اخبار تلاش دارد با استفاده از آنها درصدد ایجاد توافق و اجماع در مخاطبان خود برآید.

گزاره‌های اساسی متن

مفهوم معناشناختی مهمی که در توصیف معنایی به کار می‌رود، گزاره است. گزاره را تقریباً می‌توان ساختار مفهومی یک بند تعریف کرد. گزاره‌ها کانون متن هستند. گزاره‌ها عبارات یا جمله‌هایی هستند که معنای اساسی متن بر آنها تکیه دارد و ممکن است مدت‌ها پس از مطالعه متن در خاطر خواننده یا مخاطب باقی بمانند. درواقع، یک متن از گسترش و بسط گزاره‌های اصلی آن به دست می‌آید. گزاره‌ها، پیام اصلی متن را در خود دارند (ممرآبادی و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۵). در این مقاله پس از بررسی سایت خبرگزاری بی‌بی‌سی فارسی و استخراج اخبار مربوط به حوادث بعد از فوت مهسا امینی (از شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱)، گزاره‌های اساسی و ساختار مفهومی متن اخبار خبرگزاری بی‌بی‌سی مورد مطالعه پژوهش حاضر را استخراج کرده و بعد از واکاوی این گزاره‌ها به معنای بنیادی متن پی برده می‌شود.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد بررسی در این پژوهش، اخبار وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی در مورد حوادث بعد از فوت مهسا امینی از تاریخ شهریور ۱۴۰۱ تا دی‌ماه ۱۴۰۱ است.

در این پژوهش، به‌عنوان یک پژوهش کیفی، متون اخباری انتخاب شده است که به‌خوبی بیانگر موضع رسانه نسبت به مسئله مورد بررسی باشد. از همین رو روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند استفاده شده است و نمونه‌های مورد استفاده ما در این تحقیق شامل اخبار منتشرشده در ارتباط با موضوع است که از وب‌سایت بی‌بی‌سی فارسی ۱۰ متن خبر انتخاب شده است (جدول ۱ و ۲).

تحلیل مقوله‌های گفتمانی بی‌بی‌سی فارسی

نظام واژگان مثبت متون اخبار منتشره بی‌بی‌سی فارسی در ماجرای بعد از فوت مهسا امینی که با تعابیری همچون استقلال زنان، برابری، آزادی، حاکمیت قانون، تعیین سرنوشت سیاسی، دموکراسی، جنبش زنان، حرکت اعتراضی، بهار جدید خیزش‌های اجتماعی و شجاعت تکثیرشده، درصدد است تا نشان دهد حرکت اعتراضی بعد از فوت مهسا امینی به جنبش سراسری علیه سیستم سیاسی حاکم تبدیل شده است.

نظام واژگان منفی متون اخبار منتشره بی‌بی‌سی فارسی در ماجرای بعد از فوت مهسا امینی درصدد است تصویری منفی از سیستم سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران با عناوینی همچون حکومت اسلامی و اقتدارگرا، نظام پدرسالار، نظم مردسالار و اقتدار مردانگی نشان دهد. به‌علاوه با سبک واژگان منفی همچون تبعیض علیه زنان، سرکوب زنان و فرهنگ زن‌ستیز، سیستم سیاسی را سیستمی ضد زن و طرفدار سرکوب زنان معرفی کند.

نحوه استفاده از افراد و نهادهای مطرح‌شده در متون اخبار بی‌بی‌سی فارسی نشان می‌دهد که این وب‌سایت عمدتاً از طریق تحلیلگران وابسته به خود، صدیقه و سمنی، فاطمه زرین تاج برغانی، سیمین دانشور و دختران

خیابان انقلاب را به عنوان افراد مثبت نام برد و جاوید رحمان، فولکرتورک، احزاب کردستان ایران و فعالان مدنی و سیاسی کردستان، شاهزاده رضا پهلوی، شهبانو فرح پهلوی، مسیح علی‌نژاد، علی کریمی، سیروان خسروی، ترلان پروانه، ناتانیل بازولیک (بازیگر استرالیایی)، امیر جعفری، لادن طباطبایی، آرمیتا عباسی، مولوی عبدالحمید امام‌جمعه اهل سنت زاهدان، وحیدآنلاین، در جایگاه مثبتی قرار داده و تصویر مثبتی از آنها نشان می‌دهد. در مقابل انقلاب سال ۵۷، انقلاب مشروطه، روحانیت، جمهوری اسلامی، رژیم بن‌علی، گشت ارشاد، مأموران حکومت اسلامی، ابراهیم رئیسی، جلال آل‌احمد، علی شریعتی، روح‌الله خمینی، سیدمحمد طباطبایی، احمد وحیدی وزیر کشور، کمیل خجسته (مدیرعامل پایگاه اطلاع‌رسانی خامنه‌ای)، روزنامه کیهان را در جایگاه منفی قرار داده و به‌صورت منفی نشان می‌دهد.

در خودی‌سازی‌ها، متون اخبار بی‌بی‌سی فارسی در ماجرای بعد از فوت مهسا امینی، زنان موافق آزادی و پوشش و معترضان، دانشجویان، جنبش اجتماعی و اعتراض فمینیستی و سازمان‌های حقوق‌بشری را خودی و دستگاہ حاکمیت و دستگاہ قضائی، حکومت مردسالار، ایدئولوژی زن‌ستیز، خشونت جنسی علیه معترضان، انکار حقیقت و دروغ‌گویی را منتسب به دیگری دانسته است.

استنادات استفاده‌شده در متون اخبار عبارت‌اند از: شریعت و فقاہت/ فقه اسلامی، قوانین مدنی، نویسندگان، مجموعه ناظران، دانش‌آموخته مطالعات خاورمیانه، تورن جامعه‌شناس، سخنان فُکلی‌های اسلام‌پرور/ علی شریعتی و روحانیت مبارز که از اینها در متون خبری بی‌بی‌سی فارسی به عنوان منبع استفاده شده و در بسیاری از متون خود از استنادات استفاده نکرده است و در جاهایی که از استنادات استفاده کرده، بیشتر از افراد بوده تا از خبرگزاری‌ها و برای بی‌طرف نشان‌دادن خود از منابع، رسانه و افراد متنوع بهره برده است.

با استخراج گزاره‌های اساسی متون خبری بی‌بی‌سی فارسی در حوادث بعد از فوت مهسا امینی در بازه زمانی شهریور تا دی‌ماه ۱۴۰۱ پی برده می‌شود که

اعتراضات را به جنبش سراسری تعبیر کرده و حاکمیت را در پی پیاده‌سازی نظم مردسالار و پدرسالار دانسته و اعتراضات زنان را که با عنوان جنبش زنانه نام می‌برد، مانعی عمده در برابر اهداف مردسالارانه نظام سیاسی می‌داند. مثلاً در این متن خبر به عنوان گزاره اساسی «نتیجه اینکه جنبشی که شکل گرفته است، بیشتر به عنوان یک حرکت اعتراضی برای فروپاشی نظم پدرسالار و مردسالار تلقی می‌شود. نظام پدرسالاری از آن جهت که نتوانست موجب بهبود وضعیت در همه جوانب باشد، ناکام شده است و اینک جایگزین آن زنان هستند از آن جهت که زنان راه‌حل هستند». یا در این متن «کشورهای جهان اسلام که درگیر نظم پدرسالار هستند، شاهد چنین وضعیتی خواهند بود و الگوهای اعتراض و راهبری مبارزات نیز به مدد شبکه‌های اجتماعی به دیگر نقاط جهان اسلام تسری پیدا می‌کنند»، درصدد است تا اعتراضات مردم را گامی اساسی در تغییر بنیادی و انقلاب در ایران نام ببرد.

عمده پیش‌فرض‌های متون بی‌بی‌سی فارسی در حمایت از معترضان و تظاهرات‌کنندگان و در ضدیت با نظام جمهوری اسلامی ایران و مسئولان است. مسئله زنان در جهان اسلام را مبهم و چندسویه دانسته و حکومت‌های اسلامی را عامل اصلی در بازتولید نظم پدرسالار نشان می‌دهند. همچنین جان‌باختن مهسا به دلیل مسئله حجاب را جرعه انفجار خیزشی همگانی پیش‌فرض می‌گیرد و احتمال واکنش خشونت‌آمیز ایران به قطع‌نامه شورای امنیت و احتمال ایجاد پرونده جنایی علیه مقامات ج.ا.ا را پیش‌فرض قرار داده است.

مهم‌ترین دلالت‌ها و تلقین‌های متون اخبار بی‌بی‌سی فارسی در ماجرای بعد از فوت مهسا امینی شامل: «مستحکم‌ترین سد در برابر تغییر وضعیت زنان در جوامع اسلامی را سد شریعت و فقه است». «انقلاب ۵۷ جبهه تازه‌ای را علیه زنان گشود که همسو با فقه اسلامی و فرهنگ سنتی بود». «جمهوری اسلامی تمام همت و توان خود را برای تحمیل قوانین ناعادلانه بسیار و در رأس آنها حجاب اجباری، بر زنان به کار برده و در این راه از هیچ ستمی فروگذار نکرده است». «فقه اسلامی خیمه خود را بر ستون تبعیض

علیه زنان افراشته». از آن جهت که مفاهیم، الگوهای رفتاری، شعارها و شیوه اعتراض بی‌پی‌سی فارسی در متون اخبار خود بیشتر به دنبال القا بوده است تا تداعی.

مهم‌ترین تداعی‌های متون وب‌سایت بی‌پی‌سی در مورد حوادث بعد از فوت مهسا امینی حول محورها و موضوعاتی هستند همچون: مرگ ژینا به جرعه انفجار و نقطه عطفی در خیزش‌های اجتماعی علیه جمهوری اسلامی. یا تداعی می‌کند که در دوره استبداد صغیر (۱۹۰۸-۱۹۰۹) و آزادی‌های مدنی بیشتر در تهران، صدای زنان با انسجام بیشتری شنیده شد. یا تداعی می‌کند که تحول نسبی‌ای که در احوال زنان در نیمه نخست قرن بیستم حاصل شد، در واقع فرایندی از دگرگونی بزرگ‌تری بود که در جامعه و تا اندازه‌ای در نظام سیاسی ایران رخ نمود.

مهم‌ترین مؤلفه‌های اجماع و توافق در متون اخبار بی‌پی‌سی فارسی شامل: بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌کاوی در متن ارائه‌شده نشان می‌دهد این متون می‌کوشد با استفاده از اشخاص حقیقی همچون ناظران و نویسندگان و نهادهای حقوقی مانند اخوان المسلمین و داعش در متن تحلیل نوع ادبیات و واژگانی که برگزیده است. نشان دهد که مسئله زنان و نظام پدرسالار در جهان اسلام رابطه مبهم و چندسویه دارد. یا در برخی از متون از لحاظ تاریخی و به‌طور مشخص سه مواجهه و رویارویی زنان با نظم پدرسالار در تاریخ معاصر جهان اسلام شکل گرفته است. در برخی دیگر متون، منظور از نظام پدرسالار، حکومت‌های اسلامی یا حکومت‌های اقتدارگرایی است که به دنبال تداوم نظم سنتی جامعه اسلامی است که زنان در این نظم جایی ندارند. به‌علاوه حکومت‌های اسلامی و گروه‌های اسلامی بنیادگرا، حامیان اصلی تداوم نظم سنتی و کلاسیک هستند که نقش اصلی را در بازتولید نظم پدرسالار دارند. همچنین بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌کاوی در متن می‌کوشد با استفاده از گفته‌های افراد دانشگاهی، به‌خصوص جامعه‌شناسان، در متن تحلیل و خبر خود و نوع واژگانی که برگزیده است، اعتراضات مردمی را نوعی خیزش و سرآغازی برای انقلاب و استمرار حرکت اعتراضی نشان دهد و

نتیجه‌گیری کند که این اعتراضات زنان بعد از فوت مهسا امینی یک جنبش فمینیستی است که ایجادکننده نقطه‌عطف در تاریخ ایران است.

نتیجه‌گیری

جنگ شناختی علیه ایران در حوادث بعد از فوت مهسا امینی و از بین بردن سرمایه‌های اجتماعی و معنوی که سال‌ها با نظام ایران همراه و هم‌دل بوده‌اند، یکی از اهداف این جنگ با استفاده از ابزار رسانه بود. این مقاله با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی رسانه و استخراج مؤلفه‌های جنگ شناختی خبرگزاری بی‌بی‌سی فارسی به این نتیجه رسید: رسانه فارسی بی‌بی‌سی فارسی از گفتمان‌هایی برانگیزنده برای بازنمایی بهتر خود از حوادث و رویدادها و فنون خبری متفاوتی استفاده می‌کند که متأسفانه در همین قدرت گفتمانی، این رسانه به پایگاه خبری مرجع بدل شده است. درخصوص نحوه انعکاس اخبار بعد از فوت مهسا امینی می‌توان گفت اصلی‌ترین گفتمان شکل‌گرفته بر اساس تحلیل‌های ساختاری متن و تحلیل‌های معنایی با رجوع به ارتباط روایت و زیرساخت متن اخبار بی‌بی‌سی فارسی که شرح آن پیش از این گفته شد، «حجاب اجباری»، «خشونت پلیس»، «نبود آزادی و عدالت»، «نقض حقوق بشر» و «نارضایتی عموم» بوده است. به این معنا که قراردادن فوت مهسا امینی توسط پلیس گشت ارشاد در کانون نظام‌های گفتمانی روایتی و زیرساختی در پوشش خبری همچون کشتن دختر سقزی توسط گشت ارشاد، نظام کشتار ج.ا، گشت کشتار و... کوشیده است اذهان عمومی را در قالب جنگ شناختی به سمت خود جذب کند. بی‌بی‌سی فارسی با طرح انگاره‌ها و مصداق‌های یک‌طرفه‌ای که فوت مهسا امینی، دختر‌گرد و اهل سنت، در کانون آن قرار دارد، چارچوب رسانه‌ای حاکی از سرکوب مردم توسط نیروهای امنیتی و گشت ارشاد و اعمال حجاب اجباری و سرکوب و کشتار را تداعی می‌کند.

جدول ۱: تیترو تاریخ انتشار متن‌های انتخابی بی‌بی‌سی فارسی

عنوان خبر	تاریخ انتشار خبر
جرقه انفجار «ابرجنبش» و «انقلاب زنانه» در ایران؟	جمعه ۳۱ شهریور ۱۴۰۱
مهسا امینی؛ دگردیسی نظام پدرسالار و آغاز «بهار جدید» در ایران و منطقه	یکشنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۱
اعتراضات سراسری ایران؛ زنان و زمان در بیم و امید	یکشنبه ۸ آبان ۱۴۰۱
خامنه‌ای درباره معترضان: «بسیار حقیرتر از آن هستند که به نظام آسیب بزنند»	شنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۱
اعتراضات ایران؛ قوه قضائیه جمهوری اسلامی یک معترض دیگر را هم به اعدام محکوم کرد	یکشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۱
اعتراضات گسترده در سیستان و بلوچستان؛ شلیک مستقیم نیروهای امنیتی به روی معترضان	جمعه ۴ آذر ۱۴۰۱
ابراهیم رئیسی خطاب به یگان ویژه فاتحین که در سرکوب معترضان دست داشته: «خوش درخشیدید».	شنبه ۵ آذر ۱۴۰۱
نگرانی گزارشگر حقوق بشر از صدور حکم اعدام برای معترضان در ایران	چهارشنبه ۹ آذر ۱۴۰۱
مولوی عبدالحمید: اخبار و روایت برخی از زندانیان «مؤید تعرض جنسی به زندانیان زن» است.	سه‌شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۱
سخنگوی قوه قضائیه ایران: سزای کسانی که در زمین ظلم می‌کنند، جز دار نیست.	سه‌شنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۱

جدول ۲: جمع‌بندی مقوله‌های به‌کاررفته در متون بی‌بی‌سی.

<p>استقلال زنان، برابری، آزادی، حاکمیت قانون، تعیین سرنوشت سیاسی، دموکراسی، جنبش زنانه، حرکت اعتراضی، بهار جدید خیزش‌های اجتماعی، ابرجنبش، اتوریته جمعی، حق پوشش، اعتراضات خیابانی، شجاعت تکثیرشده، حق آزادی و پوشش، اعتراضات خیابانی، شعارهای ضد حکومتی، معترضان ایرانی، معترضان مسالمت‌جو، اعتراضات سراسری، اعتصاب، اعتراضات دانشجویی، اعتراض‌های ایران، معترضان بی‌گناه، حقوق بشر، همبستگی مردمان، عمامه‌پرانی، تظاهرات، اعتصاب</p>	<p>ث ب ت</p>	
<p>سد شریعت، تبعیض علیه زنان، استبداد، نبود حقوق سیاسی برابر، سرکوب زنان، فرهنگ زن‌ستیز، حجاب اجباری، قوانین ناعادلانه، نظام پدرسالار، حکومت اسلامی و اقتدارگرا، گروه‌های اسلامی بنیادگرا، نظم مردسالار، حجاب اجباری، سرکوب، اقتدار مردانگی، ایدئولوژی خشن مردسالار، تعرض جنسی، اغتشاش، شکنجه، سرکوب، دستگاه سرکوب، قوه قضائیه، خشونت، حکم اعدام، تعرض، تحقیر، اعتراف اجباری، شلیک مستقیم، شرایط شدید امنیتی، جو امنیتی، شلیک مستقیم، خشونت خیابانی، خشونت، سرکوب، نقض حقوق بشر، شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، تبعیض علیه زنان و کودکان، اعدام معترضان، اغتشاش‌گران، سرکوب خونین، محاربه، تعرض، تحقیر، سرکوب، اعتراف اجباری، کشتار، سرکوب</p>	<p>م نفی</p>	<p>و ا ز گ ا ن</p>

<p>صدیقه و سمدی، حسین احسانی تحلیلگر گروه‌های بنیادگرای اسلامی، مانوئل کاستلز، مهسا امینی، فاطمه زرین‌تاج برغانی، سیمین دانشور، مریم فومنی روزنامه‌نگار و پژوهشگر، دختران خیابان انقلاب، مهرانگیز کار حقوق‌دان و پژوهشگر، سازمان ملل، جاوید رحمان، فولکرتورک، احزاب کردستان ایران و فعالان مدنی و سیاسی کردستان، شاهزاده رضا پهلوی، شهبانو فرح پهلوی، مسیح علی‌نژاد، فاطمه سپهری (فعال سیاسی)، علی کریمی، زر ابراهیمی، سیروان خسروی، نازنین بنیادی، ترلان پروانه، ناتانیل بازولیک (بازیگر استرالیایی)، امیر جعفری، لادن طباطبایی، آرمیتا عباسی، سازمان حقوق بشر ایران، منابع محلی، خبرگزاری محلی حال‌وش، مولوی عبدالحمید امام‌جمعه اهل سنت زاهدان، اتحادیه آزاد کارگران ایران، بهمن خدادادی تحلیلگر سیاسی، وحید آنالین، شورای حقوق بشر سازمان ملل، محسن برهانی استاد حقوق دانشگاه تهران، ایازی از فقهای شورای نگهبان، سی‌ان‌ان، ند پرایس سخنگوی</p>	<p>ت ب ت</p>	<p>ا فرد و نهاد ها ی مط رح شد ه در من</p>

<p>وزارت خارجه آمریکا، نرگس محمدی، منابع محلی، خبرگزاری محلی حال‌وش</p>		
<p>رئیس شورای حقوق بشر حاکمان افراطی، رژیم دینی، داعش، طالبان، اخوان المسلمین، محمد بوعزیزی، رژیم بن‌علی، گشت ارشاد، شاه، رهبر، مأموران حکومت اسلامی، ابراهیم رئیس، جلال آل‌احمد، علی شریعتی، روح‌الله خمینی، محمدحسن نائینی، سیدمحمد طباطبایی، محمدکاظم خراسانی، احمد وحیدی وزیر کشور، کمیل خجسته (مدیرعامل پایگاه اطلاع‌رسانی خامنه‌ای)، روزنامه کیهان، مصطفی میرسلیم، قدیری‌ابیان، علیرضا عباسی (نماینده)، رئیس دادگستری البرز، مرکز رسانه‌ای قوه قضائیه، مقتدایی دادستان سابق، سخنگوی قوه قضائیه، رئیس قوه قضائیه، رهبر ایران</p>	<p>م نفی</p>	
<p>استنادات به‌کاررفته در متون خبرگزاری بی‌بی‌سی فارسی عبارت‌اند از: «جمله امام خمینی: حفظ نظام از اوجب واجبات است»، «شهادت تعدادی از بازداشت‌شدگان آزادشده»، «منابع بیمارستانی»، «شهادت صوتی یک پسر ۱۷ ساله»، «مرکز رسانه‌ای قوه قضائیه»، «سازمان حقوق بشر ایران»، «قوه قضائیه ج.ا.ا»، «اتحادیه آزاد کارگران ایران»، «بهمن خدادادی تحلیلگر سیاسی»، «وحیدآنلاین»، «رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل»، «علی ربیعی سخنگوی دولت روحانی»، «گزارش سی‌ان‌ان به استناد شهادت تعدادی از بازداشت‌شدگان»، «آیات</p>	<p>استناد</p>	

<p>قرآن در ارتباط با محاربه»، «خبرگزاری حقوق بشری-هرانا»، «تحلیل‌های جنووت به‌عنوان پژوهشگر»،</p>	
<p>پیش‌فرض‌ها به‌کاررفته در متون عبارت‌اند از: «مسئله زنان در جهان اسلام مبهم و چندسویه است». «حکومت‌های اسلامی نقش اصلی را در بازتولید نظم پدرسالار دارند». «مراکز این جنبش محدود به داخل مرزهای کشور نمی‌شود و ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی دارد». «شعار «زن، زندگی، آزادی» همچون اصلی‌ترین شعار ایجابی این جنبش، چالشگر ایدئولوژی خشن مردسالار، مرگ‌آفرین استبداد حاکم است». «جامعه ایران وارد مرحله بازگشت‌ناپذیر دیگری شده است که در آن حکومت دیگر نمی‌تواند بدون عقب‌نشینی، رؤیای طالبانیزه‌کردن هرچه بیشتر جامعه را دنبال کند». «احتمال واکنش خشونت‌آمیز ایران به قطعنامه شورای امنیت وجود دارد». «احتمال ایجاد پرونده جنایی علیه مقامات ج.ا.ا، هست». «رویه‌های قضائی در ج.ا.ا غیرشفاف است». «یگان ویژه فاتحین در کنار دیگر نیروهای مسلح که در برخورد با معترضان دست دارند، متهم است که به کشتار شهروندان بی‌سلاح شامل کودکان و زنان دست زده است». «جمهوری اسلامی، کشتار معترضان را تکذیب می‌کند و می‌گوید مخالفان و مأموران کشورهای دیگر شهروندان ایرانی را در اعتراض‌ها به قتل می‌رسانند»</p>	بی ش ف رض ه ا
<p>زنان آزادی‌خواه، ملت ایران، جنبش زنانه، جنبش اجتماعی، اعتراض فمینیستی، انقلاب زنانه، ساختارشکن، زنان موافق آزادی و پوشش، حقیقت‌جویی، معترضان و فعالان، مردم معترض، اقشار مختلف مردم معترض ایران از دانشجو گرفته تا</p>	ق

شاغلان حوزه حمل و نقل و کامیون داران، سازمان های حقوق بشری، حقوق دانان، افراد مخالف احکام صادر شده	ود ی	ط ب بند ی
نظم مردسالارانه، نظم پدرسالار، اسلامیزه شدن، حکومت مردسالار، استبداد صغیر، مردسالاری، شکاف اقتصادی، استبداد سیاسی، ایدئولوژی زن ستیز، خشونت جنسی علیه معترضان، حکومت سرکوبگر، دستگاه قضائی ج.ا و افراد موافق حکم اعدام، حاکمیت (سرکوبگر)، انکار حقیقت و دروغ گویی، حاکمیت و دستگاه قضائی، دستگاه قضایی ج.ا و افراد موافق حکم اعدام، نیروهای سرکوب	ی گ ر ی	
متون درصددند تلقین کنند که فوت مهسا امینی سرآغاز یک اعتراض سراسری در ایران شد. متن با بیان این جمله که: «این جنبش از ویژگی تسری و سرایت برخوردار است از آن جهت که مفاهیم، الگوهای رفتاری، شعارها و شیوه اعتراض این رویداد که حال در مرحله بسیار حساسی است، از دیدگاه تاریخی درازمدت شایان بررسی است» درصدد تلقین همه گیری و گسترش اعتراضات است. متن به شکلی ظریف به دنبال این است تا نشان دهد در قضایای بعد از فوت مهسا امینی، مردم معترض تحت پیگرد قانونی قوه قضائیه قرار گرفته و با احکام سنگین اعدام روبه رو شده اند. در این متن «کشته شدن دست کم ۴۴۸ شهروند از جمله ۶۰ کودک و ۲۹ زن در	ل ق ن	دل التها ی ضمنی متن

اعتراضات» و با این آمار ارائه شده در متن، درصد تلقین میزان خشونت به کارگرفته توسط نیروهای امنیتی علیه معترضان است. به علاوه متن درصد تلقین این امر است که سازمان‌های بین‌المللی نسبت به میزان خشونت علیه معترضان ابراز نگرانی کرده‌اند؛ در این متن «عفو بین‌الملل همچنین نسبت به گزارش‌هایی ابراز نگرانی «شدید» کرده»، متن می‌کوشد با تمرکز بر استان سیستان و بلوچستان و زاهدان به عنوان شهر حاشیه و فقیر کشور، سرکوب اعتراضات مردمی در این شهر را نشان دهد و همچنین مقاومت مردم در برابر نیروهای امنیتی را بازگویی کند.



<p>متون درصددند تداعی کنند: با شروع اعتراضات و شعارهای معترضان، اعتراضات شکل گرفته الگویی از بهار عربی و با استبدادی خواندن سیستم سیاسی ایران، درصدد موجه جلوه‌دادن حرکت اعتراضی در ایران بعد از فوت مهسا امینی است. متون کوشیده است با یک برش تاریخی این گونه تداعی کند که زنان در طول تاریخ سیاسی ایران در حال تکاپو برای احقاق حقوق سیاسی و اقتصادی خود بوده‌اند و زنان را به عنوان یک سوژه سیاسی معرفی کرده که درصدد است سیستم سیاسی عصر خود را به سرنهادن به حقوق اجتماعی‌شان مجبور کند.</p> <p>متون همچنین با انتخاب گفته‌های رئیس‌جمهور ایران، ابراهیم رئیسی، این گونه تداعی می‌کند که دشمنی سیستم با مردم آشکار و عیان است و مرز و حدی ندارد. همچنین متن کوشیده است با استفاده از گزارش‌های جاوید رحمان، این گونه تداعی کند که سازمان‌های بین‌الملل و حقوق بشری پیگیر مسائل ایران بعد از فوت مهسا امینی هستند. همچنین تداعی کند موضوع اعتراضات در ایران جدی بوده و سازمان‌های حقوق بشری پیگیر عامل کشتارهای اعتراضات بعد از فوت مهسا امینی هستند.</p>	<p>تداعی</p>
<p>بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌کاوی در متن ارائه شده نشان می‌دهد متون می‌کوشند با استفاده از گفته‌های افراد دانشگاهی، به‌خصوص جامعه‌شناسان، در متن تحلیل و خیر خود و نوع واژگانی که برگزیده است، اعتراضات مردمی را نوعی خیزش و سرآغازی برای انقلاب و استمرار حرکت اعتراضی نشان دهد و</p>	<p>مؤلفه‌های اجماع و توافق</p>

نتیجه‌گیری کند که این زنان یک جنبش فمینیستی است که ایجادکننده نقطه عطف در تاریخ ایران است.

بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌کاوی در متون نشان می‌دهد با استفاده از اشخاص حقیقی همچون ناظران و نویسندگان و نهادهای حقوقی مانند اخوان المسلمین و داعش در متن تحلیل و نوع ادبیات و واژگانی که برگزیده است، در تلاش است بیان کند مسئله زنان و نظام پدرسالار در جهان اسلام رابطه مبهم و چندسویه دارد. از لحاظ تاریخی و به‌طور مشخص، سه مواجهه و رویارویی زنان با نظم پدرسالار در تاریخ معاصر جهان اسلام شکل گرفته است. منظور از نظام پدرسالار، حکومت‌های اسلامی یا حکومت‌های اقتدارگرایی است که به دنبال تداوم نظم سنتی جامعه اسلامی است که زنان در این نظم جایی ندارند. به‌علاوه حکومت‌های اسلامی و گروه‌های اسلامی بنیادگرا، حامیان اصلی تداوم نظم سنتی و کلاسیک هستند که نقش اصلی را در بازتولید نظم پدرسالار دارند.

بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌کاوی متون ارائه‌شده نشان می‌دهد این متون در پی بزرگ‌نمایی احکام وارده بر معترضان از سوی قوه قضائیه بوده و درصدد است تا با استفاده از واژگانی همچون «احکام سنگین» و «اعدام» تأثیری منفی بر مخاطب داشته باشد.

فهرست منابع

۱. اسماعیل‌نژاد، معصومه، و همکاران (۱۳۹۹)، تحلیل گفتمان انتقادی سیاست‌گذاری ارتباطی بی‌بی‌سی فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، **مجله رسانه و فرهنگ**، دوره ۱۰، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۹.

۲. افخمی، علی، و همکاران (۱۳۹۷)، تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی‌های دونالد ترامپ در مورد مهاجران، **فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی**، دوره دوم، شماره اول.
۳. زبیتی، سامان و مصطفی اژدری (۱۳۹۸)، بررسی تکنیک‌های خبری شبکه بی‌بی‌سی فارسی در مواجهه با انقلاب اسلامی در چارچوب عملیات روانی، **پژوهشنامه تاریخ سیاست و رسانه**، سال دوم، شماره ۳.
۴. عالیشوندی، حسین (۱۳۹۱)، تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای غرب بر روند چگونگی حوادث دهمین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران؛ مورد مطالعاتی تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، **وزارت علوم، تحقیقات و فناوری**، دانشگاه علامه طباطبائی، **دانشکده حقوق و علوم سیاسی**.
۵. فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲)، **راه دراز گذار**، تهران، **نشر فرهنگ و اندیشه**.
۶. ممرآبادی، علی و علی‌اکبر رزمجو (۱۳۹۸)، مقایسه گفتمان خبری بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا درباره پنجمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، **مطالعات رسانه‌ای**، دوره ۱۴، شماره ۱.
۷. هوشیار، مهدی و سیدمحمد مهدی‌زاده (۱۳۹۹)، چارچوب‌سازی و گفتمان‌سازی رسانه‌ها در پوشش اخبار (تحلیل گفتمان اخبار در پایگاه‌های خبر بی‌بی‌سی فارسی و ایرنا به پوشش وقایع خاورمیانه و شمال آفریقا)، **مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه**، دوره ۳، شماره ۷ - شماره پیاپی ۷.
۸. یاسمی، کلثوم، فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۵)، تحلیل گفتمان انتقادی کتاب امریکن اینگیلیش فایل با استفاده از مدل وندایک، **مطالعات فرهنگ-ارتباطات**، سال دهم، شماره ۳۴.

English

9. Alvaro, P, (2024), Cognitive warfare, ([hal-04420986](#))
10. Aydemir, E (2022), Ukraine's cognitive warfare operations against Russia: operation, story and

- micro- mythology, **Eurasia International Journal of Research, Volume, 10 Issue, 32**
11. Burda, R, (2023), Cognitive Warfare as Part of Society Never-Ending Battle for Mind, Never-Ending Battle for Minds, **Hague Centre for Strategic Studies.**
 12. Gzar, A. S. (2024), CRITICAL DISCOURSE ANALYSIS OF WOMEN'S DEGRADATION IN SELECTED AMERICAN AND BRITISH PROVERBS, *International Development Planning Review*, 23(1), 431-452.
 13. Krawczyk, P and Jarosław. W (2022), "Russia's social-impact operations in the context of cognitive warfare in Ukraine in 2022", **Cybersecurity and Law nr 1 (9), Faculty of National Security, War Studies Academy**
 14. Masakowski, Y and Janet. M (2022), Defence against 21 century cognitive warfare: consideration and implications of emerging advanced technologies", **North Atlantic treaty organization, science and technology organization**
 15. Morelle, M and Cegarra. J (2023), Towards a Definition of Cognitive Warfare, HAL Science, HAL Id: hal-04328461 <https://hal.science/hal-04328461>
 16. Norfolk, V and Francois. C (2023), Cognitive Warfare, a Battle for the Brain, **Nato, S and T organiariion.**
 17. Vozmitel, I and Elena, S (2022), Cognitive Warfare: a review, **Journal of society and the state school of governance and politicsn, MGIMO universirt, Russia**